

# روایت شهید بهشتی از صدور مجوز حکم اعدام حسنعلی منصور



اینها درست با تمام وجودشان در خط اصیل اسلام و قرآن و فقاقت همان که امروز به آن می‌گویند در خط امام حرکت کردند



## بازوان توانای انقلاب در خط اصیل اسلام

... شهید عزیز این روزمان در سال گذشته که امروز سالگرد شهادت اوست و باید یادش کنم و یادش را گرامی بدارم مرحوم شهید حاج مهدی عراقی و از یاران مرحوم شهید حاج صادق امانی این عنصر فضیلت و تقوی که برخاسته از همین محله‌ها بودند، البته مرحوم حاج صادق دقیقاً از همین محله بود. اینها بازوان توانای

انقلاب در خط اصیل اسلام بودند. مرحوم حاج صادق در اوایل ماه رمضان آنجا آمد و گفت آمدم یک حدیث ببرسم. من دیدم دیروقت و بدون اطلاع آمده من منزلم در مختاری بین شاپور و امیریه بود معمولاً اینها اگر قراری داشتند خبر می‌دادند، می‌آمدند، دیدم آن روز بی‌وقت آمده و بعد هم می‌گوید می‌خواهم یک حدیث ببرسم البته اهل حدیث بود، مرحوم حاج صادق جوانی بود مشتاق کلمات خدا

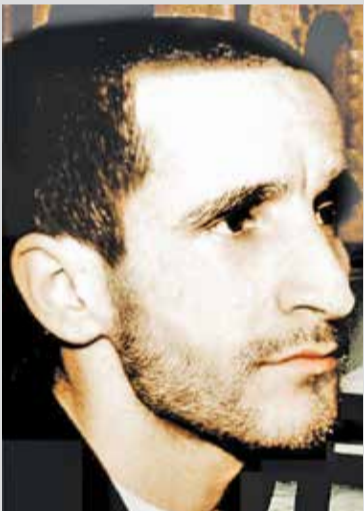


و پیغمبر خدا و ائمه هدی (سلام الله علیهم اجمعین) و جدّاً هم اهل حدیث بود. عربی خوب می‌دانست احادیث را خوب می‌فهمید و می‌آمد روی محتوای احادیث بحث می‌کرد؛ ولی با تمام این احوال من حس کردم که او امروز نیامده حدیث بپرسد مثل اینکه حدیث پرسیدن را پوشش یک سؤال انقلابی دیگرش می‌خواست قرار بدهد. سؤال این بود که به نظر شما اگر ما چندتا از این مهره‌های اصلی طاغوت را سربه‌نیست بکنیم در این مقطع انقلاب کار درستی است یا نه؟ از نظر اصولی در اسلام حکمش چیست و از نظر این شرایط زمان، حکمش چیست؟

... من حس کردم که ایشان آمده می‌خواهد این را بپرسد، می‌خواهد ببیند که آیا از نظر فقهی و از نظر اجازه حاکم شرعی می‌توانند این کار را بکنند یا نه؟

چنان در سیمای این مرد لاغر اندام و ظریف؛ اما مصمم، قوی با اراده و بر عظمت و درست پیرو خط انبیاء و اولیاء نور ایمان و قدرت اراده آهنین یک انسان مؤمن متجلی بود که انسان از معاشرت با او لذت می‌برد، واقعاً از کسانی بود که دیدار او انسان را به یاد خدا می‌انداخت.

می‌دانید که یکی از سفارش‌های اسلام به برادران و خواهران این است که یاران و دوستانی انتخاب کنید که وقتی آنها را ملاقات می‌کنید دیدار آنها شما را به یاد خدا بیندازد و مرحوم حاج صادق یکی از نمونه‌های بارز این یاران و دوستان بود.



متشکل شد و به حرکتش تا سال‌ها ادامه داد. اینها درست با تمام وجودشان در خط اصیل اسلام و قرآن و فقاقت همان که امروز به آن می‌گویند در خط امام حرکت کردند. این روح را بخصوص این نوجوانان، این دختران و پسران جوان و نوجوانی که در این مسجد، در این خانه خدا گرد آمدید حفظ کنید این روح الهی و این نورانیت انقلاب را نگهبان و نگهدار باشید.



## تربیت انقلابی

حاج صادق امانی و حاج مهدی عراقی و آقای عسکروالادی و چند نفر دیگر و این سه نفر از شورای مرکزی هیأت‌های مؤتلفه و دیگران در شاخه نظامی این تشکیلات بودند و اسلحه‌های داشتند و خودشان را آماده می‌کردند و بچه‌های جوان عزیز را تربیت می‌کردند هم با روح ایمان و هم با سلحشوری و هم با سلاح آنها را

آشنا می‌کردند و آن طرف‌های مسگرآباد هم میدان تیرشان بود و می‌رفتند آنجا تیراندازی یاد می‌گرفتند. اینها در تمام مراحل مبارزات بخصوص البته توضیح می‌دهم که اینها از کی توی خط بودند. در تمام مراحل مبارزاتی بخصوص در مرحله سال ۴۱ به بعد که اینها توانستند فعال باشند و پس از کشف شبکه‌شان، شبکه اصلی را متلاشی کردند؛ اما بقایای آن همچنان

آن شهادتی که در انزوا، در عزلت، در حالت رعب، در حالت تنهایی و فشار و هجوم و سوسه‌های دشمن و انواع و اقسام موانع و روادع راه خدا اتفاق می‌افتد پیش خدای متعال فرق دارد. شباهت آن شهادت به شهادت اصحاب امام حسین (ع) بیشتر است. بغض این شهادت همچنان در گلو یاران آنها فروخته بود و با پیروزی انقلاب اسلامی، یاد آنها در مناسبت‌های مختلف زنده نگه داشته شد. از آن جمله سخنرانی شهید مظلوم دکتر بهشتی است که وقتی سوم شهریورماه ۱۳۵۹، به مسجد گذر لوطی صالح رفت تا برای سالگرد شهید عراقی سخن بگوید، بخشی از سخنرانی را به شهید امانی اختصاص داد. این سخنرانی، بیانگر تفاوت ماهوی مشی و ممشای این مبارزان با برخی دیگر از گروه‌های مسلحی است که نتوانستند مورد تأیید امام خمینی قرار گیرند. روایت کمتر شنیده شده شهید بهشتی از مقدمات آن عملیات خواندنی است:

سحرگاه ۲۶ خرداد ۱۳۴۴، چهار نفر از اعضای هیأت‌های مؤتلفه اسلامی اعدام شدند. پس از تصویب کابینتولاسیون امریکایی و دستور امام خمینی به عدم سکوت، توسط رژیم شاه امام تبعید شد و برای حسنعلی منصور، عامل مستقیم امریکا برای چند پروژه در ایران از سوی برخی نمایندگان امام همچون شهید آیت الله دکتربهشتی و همچنین از سوی آیت الله میلانی، مرجع حاضر در ایران حکم اعدام صادر شد. شهید محمد بخاری این حکم را اجرا کرد و در این راه به همراه شهید امانی، فرمانده این عملیات و شهیدان مرتضی نیک نژاد و رضا صفار هرنیدی به فیض شهادت نائل آمد. برگزاری مراسم برای این شهدا تا پیروزی انقلاب اسلامی ناممکن بود. این مظلومیت تا آنجا بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره آنها فرمودند: «این شهدای چهارگانه [شهیدان امانی، بخاری، صفار هرنیدی و نیک نژاد] ... حقیقتاً در دوران ظلمات، نور خدا بودند که درخشیدند و قضا و دل‌ها را روشن کردند و راه را به خیلی‌ها نشان دادند...

## روایتی از پیامد فتوای آیت الله میلانی؛

## شاه گفت پرونده مختومه شود

با توجه به خاطرات دکتر اسدالله بادامچیان دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی در خصوص ماجرای کسب فتوا از آیت الله میلانی و دیداری که پس از عملیات با ایشان داشته است؛ با وی پرسش و پاسخی درباره پیامد فتوا برای آن مرجع تقلید داشتیم.

چگونه شد که جای اجرای حکم الهی در خصوص حسنعلی منصور، از آیت الله میلانی کسب فتوا کردید؟

پس از تبعید امام در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، تظاهرات اعتراضی مردم محدود انجام شد و مانند ۱۵ خرداد آن قیام عمومی پدید نیامد. از این رو رژیم ستمشاهی احساس کرد که میدان برای تاخت و تاز و سرکوب



انقلاب باز است و غیر از بیانیه‌های علماء و تظاهرات موضعی، اقدام مؤثری علیه رژیم و تبعید امام و کابینتولاسیون امریکایی انجام نخواهد شد. حسنعلی منصور، گستاخانه به مراجع و روحانیت زبان تعرض گشود و در جهت خواست اربابان امریکایی و انگلیسی خود در صدد برآمد موضع انقلاب و مبارزه را برای همیشه فیصله دهد.

## باید چند نفر از سران رژیم به خاک بیفتند تا روحیه‌ها بازسازی شوند

در توده مردم نیز نوعی ناامیدی و یأس پدید آمده بود. تفکری داشت رواج می‌یافت مبنی بر اینکه دیگر کاری از ملت بر نمی‌آید. امام که تبعید شده است بیانیه نیز از بخش نیست و رژیم هم هر کاری که خواهد، خواهد کرد. صبح روز یکی از روزهای آخر آبان ۴۳ بود. جلسه ای در خدمت شهید بزرگوار حاج صادق امانی و برخی دوستان دیگر اصلی مؤتلفه بودیم. شهید صادق اسلامی آمد و گفت خدمت آقای مطهری بودم. فرمودند اوضاع خوب نیست. مردم ناامید و دل‌سرد شده‌اند. باید چند نفر از سران رژیم به خاک بیفتند تا روحیه‌ها بازسازی شوند.

شهید امانی نفس بلندی کشید و گفت الحمدلله که حکم را دادند. قبلاً بحث و گفت و گو درباره اعدام انقلابی شاه و منصور بود و آمادگی نیز در بخش مبارزه مثبت (جهاد مسلحانه) مؤتلفه وجود داشت. پس از این جلسه، شهید امانی با آیت الله شهید بهشتی صحبت کرد و موافقت ایشان هم حاصل شد. شهیدان، مطهری و بهشتی و آیت الله انواری شورای روحانیت مؤتلفه بودند که در غیاب امام و با نظر امام خمینی نظرشان برای مؤتلفه اسلامی صحبت شرعیه بود. شهید صادق اسلامی و شهید صادق امانی در رابطه با آیت الله انواری مذاکراتی انجام داده بودند. پس از این تفاهم، برای اینکه حکم از نظر فقهی، استحکام قطعی و غیر قابل تردید داشته باشد، قرار شد موضوع با مرحوم آیت الله العظمی میلانی در میان گذاشته شود و حکم مرجعیت و فقیه جامع الشرایط نیز پشتوانه این اقدام شود. مرحوم حاج سید تقی خاموشی با عباس مدرس (که بعداً جزو منافقین شد) به مشهد رفتند و آیت الله میلانی حکم قتل شاه و منصور را صادر کردند. براساس حکم ایشان سه بار نسبت به اجرای



دستگیر شدند. در بازجویی‌ها علی‌رغم شکنجه‌های شدیدی که ساواک و اطلاعات شهربانی شاه دادند درباره آیت الله مطهری و بهشتی، موضوع لو نرفت اما در مورد فتوای آیت الله میلانی مسأله برای رژیم فاش شد.

موضوع به اطلاع شاه رسید و او دو نفر از افسران حقوقی مورد اعتمادش را نزد آیت الله میلانی فرستاد. آنها موضوع صدور حکم مهدورالدم بودن شاه و منصور را برای آیت الله میلانی شرح دادند و

حکم درباره شاه اقدام شد ولی موفقیتی به دست نیامد و در مورد منصور در اول بهمن ۴۳، این حکم در میدان بهارستان به اجرا درآمد و وی به درک واصل شد.

## گویا این فتوای ایشان برای رژیم شاه آشکار شده بود. در این خصوص اطلاع دارید؟

پس از اجرای حکم الهی درباره منصور، دوستان مؤتلفه در هر دو بخش جهاد مسلحانه (مبارزه مثبت) و در مبارزه سیاسی (مبارزه منفی)